

اعتبار در لغت، از ریشه «عبور» و به معنای «پند گرفتن و تفکر» است.<sup>۱</sup> [فاعتبروا یا اولی الابصار / سوره حشر؛ آیه ۲] چراکه در «تفکر» از ظاهر عبور کرده و به باطن می رسیم و در پند گرفتن از حقیقتی به حقیقت دیگر می رسیم.

در فلسفه، «اعتباری» دارای اصطلاحات متعددی است:

۱. اصطلاح اول : آن دسته از مفاهیم که هم بر «واجب تعالی» حمل می شوند و هم بر «ممکنات». و لذا معلوم می شود این دسته از مفاهیم ماهیت ندارند. (چراکه خداوند، ماهیت ندارد) مثل «علم و حیات».<sup>۲</sup>
۲. اصطلاح دوم : آن دسته از مفاهیم هستند که بر بیش از یک مقوله حمل می شوند. مثل «حرکت» (که اگر اعتباری نبود، لازم می شد هم «این» باشد و هم «کم» و ..)<sup>۳</sup>
۳. اصطلاح سوم : (مقابل اصیل) مثل آنکه می گوئیم، ماهیت اعتباری است.<sup>۴</sup>
۴. اصطلاح چهارم : چیزهایی که «وجود مستقل از غیر» ندارند؛ مثل «مقوله اضافه» که می گویند اعتباری است چراکه به وجود موضوعش موجود است.
۵. اصطلاح پنجم : «اعتبارات عقلایی»  
مرحوم طباطبائی درباره این دسته می نویسد:

«المعنى التصورى أو التصديقى الذى لا تحقق له فيما وراء ظرف العمل و مال الاعتبار بهذا المعنى إلى استعارة المفاهيم النفس الأمرية الحقيقية بحدودها لأنواع الأعمال التى هى حركات مختلفة و متعلقاتها للحصول على غايات حيوية مطلوبة كاعتبار الرئاسة لرئيس القوم ليكون من الجماعة بمنزلة الرأس من البدن فى تدبير أموره و هداية أعضائه إلى واجب العمل و اعتبار المالكية لزيد مثلا بالنسبة إلى ما حازه من المال ليكون له الاختصاص بالتصرف فيه كيف شاء كما هو شأن المالك الحقيقى فى ملكه كالنفس الإنسانية المالكة لتقواها و اعتبار الزوجية

۱. المصباح المنير: ص ۳۹۰ / لسان العرب: ج ۴ ص ۵۳۱

۲. نهاية الحكمة: ص ۲۵۷      ۳. همان      ۴. همان      ۵. نهاية الحكمة: ص

بین الرجل و المرأة لیشتک الزوجان فی ما یترتب علی المجموع کما هو الشأن فی الزوج العددی و علی هذا

القیاس.»<sup>۱</sup>

توضیح :

- ۱) این دسته از اعتبارات، گاه معنای «تصوری» هستند مانند «ریاست، ملکیت» و گاهی معنای «تصدیقی» هستند: «زید رئیس» و «هذا کتاب مملوک»
- ۲) این دسته از اعتبارات، جز در «ظرف عمل»، واقعیتی ندارند.
- ۳) بازگشت این نحوه از اعتباریات، به «استعاره» است. یعنی مفاهیم نفس الامریه [واقعیات خارجیه] را با تعریفی که دارند، برای چیزهایی قرار می دهیم که تنها در ظرف عمل کارآیی دارند. و این استعاره به خاطر منافی است که در حیات انسان، وجود دارد.
- ۴) مثلا: زید را تشبیه می کنیم به سر و همانطور که سر برای آدمی، رأس است، زید که بزرگ قوم است هم به ریاست برگزیده می شود. [واقعیت = سر / حکم آن = فرمان دهنده / موضوع اعتبار = زید / حکم آن = فرمان دهند]
- ۵) مثلا: ملکیت [واقعیت = نفس انسان / حکم آن = تصرف می کند در قوای خود که بر آنها مالکیت واقعی دارد / موضوع اعتبار = انسان / حکم آن = تصرف در آنچه که در اختیار دارد]
- ۶) مثلا: زوجیت [واقعیت = عدد زوج / حکم = در آنچه بر آنها واقعی می شود، مشترک هستند / موضوع اعتبار = زن و مرد / حکم = همان]

نکته ۱: این دسته پنجم از اعتباریات در علم اصول، گاهی «جعلیات» خوانده می شود.

نکته ۲: اعتباریات عقلایی از جمله انتزاعیات نیز هستند. چراکه به نوعی از «موجودات خارجی» انتزاع می شوند. ولی همه انتزاعیات، اعتباری نیستند.

نکته ۳: اعتباریات عقلایی، به سبب آنکه در آنها از «فرض» [اینکه عاقل وصفی را در چیزی تصور کند که واقعا در آن نیست] استفاده می شود، از جمله امور «فرضی» هستند ولی تمام فرض ها، اعتبار عقلایی نیستند.

نکته ۴: برخی می گویند در اعتباریات عقلایی، نوعی «ادعا» نهفته است. به این معنی حک معتبر ادعا می کند که این موجود اعتباری، همان موجود حقیقی است [زوجیت اعتباری، ادعاً «زوجیت واقعی» فرض می شود و حکم همان را می گیرد] ولی هر ادعایی، اعتبار عقلایی نیست. این در حالی است که برخی دیگر این مطلب را نپذیرفته اند و اعتبارات را متوقف بر ادعا نمی دانند. [در این باره بیشتر خواهیم گفت]

نکته ۵: برخی می گویند در اعتباریات عقلایی، نوعی «تشبیه» وجود دارد. ولی هر «تشبیهی»، اعتبار عقلایی نیست. اما برخی (همانند حضرت امام) وجود تشبیه را در اعتبار، رد کرده اند [در این باره بیشتر خواهیم گفت]



۶. اصطلاح ششم برای اعتباری: در میان اهل سنت گاه به «قیاس فقهی» [تمثیل منطقی] اعتبار گفته می شود.<sup>۱</sup>
۷. اصطلاح هفتم: برخی گفته اند به «قیاس منطقی» نیز «اعتبار» گفته می شود.<sup>۲</sup>
۸. اصطلاح هشتم: در فلسفه اخلاق به «آرای محموده» (که یک نوع از قضایا هستند که عقلاء آن را می پذیرند) اعتباریات گفته می شود.<sup>۳</sup>



---

۱. التعريفات جرجانی : ص ۱۳

۲. موسوعه مصطلحات الفلسفیه عند العرب : ص ۸۸ / به نقل از ابن رشد

۳. دائرة المعارف بزرگ اسلامی : ج ۹ ص ۳۴۸ / به نقل از ابن رشد